

خبر

جزئیات آغاز آموزش «حضوری» در مدارس تهران

● ایسا: سه‌شنبه گذشته از سوی وزرای کشور و آموزش‌وپرورش اعلام شد که آموزش در مدارس از این‌سپ حضورِی خواهد بود و دانش‌آموزان ملزم هستند سرکلاس‌های درس حاضر شوند. این در حالی است‌که وزیر آموزش‌وپرورش اوایل هفته گفته بود حضور دانش‌آموزان «اختیاری» است. این اظهارات متناقض‌ک‌ه به فاصله کمی از یکدیگر بیان شدند، موجب سردرگمی خانواده‌ها شد. علیرضا کریمیان، مدیرکل آموزش‌وپرورش ش‌هر تهران، در همین راستا، به چند پرسش درباره کم‌ویف حضورِی شدن آموزش‌ها و بازگشایی کامل مدارس پاسخ داد و دراین‌باره اظهار کرد: با مدیران مناطق و مدیران مدارس جلسه گذاشته و روی حضور حداکثری دانش‌آموزان و برکنست آنها به مدرسه و حضور در فضای مدرسه و تدریس حضورِی تأکید کردیم. او افزود: مدیران ما در سطح ش‌هر تهران برنامه‌ریزی کرده‌اند‌که شاهد حضور همکاران در مدارس به صورت کامل بوده و با فعالیت‌های آموزشی به صورت حضورِی در خدمت دانش‌آموزان باشیم. مدیرکل آموزش‌وپرورش ش‌هر تهران درباره آمادگی مدارس برای پذیرش حضورِی دانش‌آموزان گفت: تمهیدات لازم انجام شده است تا از شرایطی که در این دو سال داشته‌ایم، به شرایط عادی برگردیم و در فضایی بسیار خوب شاهد رشد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و ارتقای مهارت‌های آنها به‌ویژه در حوزه اجتماعی باشیم. کریمیان با بیان اینکه همکاران ما کامل و به صورت صددرصدی در مدارس حضور دارند، گفت: افزایش ادایای دانش‌آموزان به مسئولان بهداشتی کشور و خادمان خودشان در آموزش‌وپرورش اعتماد کامل دارند. دانش‌آموزان نیز به صورت کامل و صددرصدی در مدارس هستند و ما به‌زودی شاهد برقراری شرایط عادی و تدریس حضورِی در تمام مدارس کشور به‌ویژه ش‌هر تهران خواهیم بود. او در واکنش به اینکه برخی مدارس با توجه به شرایط و تراکم بالا، صرفاً آموزش مجازی داشتند و دانش‌آموزان به مدرسه نمی‌رفتند، عنوان کرد: از این پس، کلاس درس صرفاً مجازی نخواهیم داشت و کلاس‌های درس حضورِی می‌شود. در کنار آن، همکارانم هم کلاس حضورِی و هم مجازی را اداره می‌کنند و آموزش ترکیبی است و تحت هیچ شرایطی صرفاً کلاسی را به صورت غیرحضورِی نخواهیم داشت. مدیرکل آموزش‌وپرورش ش‌هر تهران درباره مشکلات سرویس آپاد‌وهاب‌با توجه به ساعات کم آموزش در چند ماه اخیر گفت: برنامه‌ریزی به گونه‌ای انجام شده است که دانش‌آموزان ساعات بیشتری را سر کلاس و داخل مدرسه باشند. کریمیان دربار‌ه دانش‌آموزان و ساعات طولانی‌تر حضور در مدرسه، از سرویس مدارس هم نهایت استفاده را خواهیم کرد. با انجمن اولیا و مربیان هم صحبت کردیم و مدیران مدارس توجیه شده‌اند که با توجه به ساعات بیشتری که دانش‌آموزان در کلاس درس هستند، سرویس مدارس هم فعال شوند. کریمیان درباره ساعات آموزش و حضور دانش‌آموزان در مدرسه نیز عنوان کرد: با برنامه‌ریزی مدیران مدارس، ساعت‌های طولانی و حتی کامل‌از صبح تا ظهر پذیرای دانش‌آموزان هستیم. او درباره میزان حضور در طول هفته نیز گفت: اکنون نمی‌توانیم نسخه واحدی برای تمام چهارهزارو ۸۰۰ مدرسه در سطح ش‌هر تهران بیچیم. شرایط، مدرسه به مدرسه و پایه با پایه متفاوت است. مدیران برای دوره ابتدایی یک شیوه و برای متوسطه اول و دوم شیوه‌های دیگری را به کار گرفته، برنامه‌ریزی می‌کنند و به استحضار اولیا می‌رسانند. مدیر کل آموزش‌وپرورش ش‌هر تهران در پاسخ به اینکه آیا پروتکل‌های بهداشتی جدیدی در مدارس اعمال خواهد شد؟ گفت: پروتکل‌ها در اختیار وزارت بهداشت است و هرچه را به ما اعلام شود، انجام می‌دهیم. کریمیان درباره الزامی‌بودن یا نبودن تریق دو دُز واکسن برای حضور در مدرسه نیز توضیح داد و اظهار کرد: آنها که به لحاظ سنی مشمول هستند و وزارت بهداشت اعلام کرده حتما واکسن می‌زنند؛ ولی اینکه الزامی باشد یا خیر، به تصمیم وزارت بهداشت بستگی دارد و ما تابع پروتکل‌ها و سیاست‌های اعلامی ساد ملی مقابله با کرونا هستیم. او اضافه کرد: همکاران من تا زمانی که علائم ظاهری بیماری را در دانش‌آموز نبینند، مانع حضورش نمی‌شوند؛ مگر آنکه دانش‌آموز علائم واکسن می‌زنند؛ ولی اینکه الزامی باشد یا خیر، به تصمیم وزارت بهداشت بستگی دارد و ما تابع پروتکل‌ها و سیاست‌های اعلامی ساد ملی مقابله با کرونا هستیم. او اضافه کرد: همکاران من تا زمانی که علائم ظاهری بیماری را در دانش‌آموز نبینند، مانع حضورش نمی‌شوند؛ مگر آنکه دانش‌آموز علائم

منزل استراحت می‌کند تا بهبود یابد.

ادامه از صفحه ۸

آغاز تولید خودروی هیبریدی در ایران

… اما کسی به حرفشان گوش نمی‌دهد. نکویییم هست، اما کسی تحویلشان نمی‌گیرد! نکویییم همه افراد بااستعداد از مملکت رفته‌اند! ما که ندیدیم هیچ مجموعه‌ای در حوزه صنعت خودروسازی حتی چنین گفتمانی داشته باشد. کوئی اعتمادبه‌نفس، دانش و تجربه در این مُلک ت‌ه کشیده و ما باید در این گرداب سرگردان بمانیم. کوئی اینجا تخصص و تبحر و تجربه و دانش و خلاقیت محلی از اعراب ندارد. شاید روزی رویای من و دیگر ایرانیان عاشق وطن در داشتن خودروی مدرن هیبریدی یا برقی تحقق یابد؛ خودرویی که کیفیت آن مایه پادین و سرفراززی ما باشد؛ روزی که بگویند: «تولید انبوه خودروی پیشرفته هیبریدی در ایران آغاز شد.»

شهرزاد همتی: روز گذشته خبری مبنی بر اخراج محمد فاضلی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، در رسانه‌ها منتشر شد؛ مسئله‌ای که می‌تواند ماجراه‌ای سریالی اخراج استادان و ستاره‌دارکردن دانشجویان در دوران احمدی‌نژاد را به ذهن متبادر کند. از یک طرف ممنوع‌الخروج‌شدن سعید مدنی، جامعه‌شناس، در ماه‌های گذشته و همچنین اخراج دکتر بیژن عبدالکریمی، استاد فلسفه از دانشگاه آزاد که در شهرویرو اتفاق افتاد، نشان از آتشی دارد که از زیر آوار برج‌ای‌مانده از زمان احمدی‌نژاد در حال شعله‌کشیدن است و شعله‌هایش مثل همیشه اول علوم انسانی را نشانه می‌گیرد. «محمد فاضلی»، استاد دانشگاه، طراح گزارش علمی حادثه پلاسکو است که درست در سالگرد حادثه حکم اخراجش صادر شده. فاضلی در سال‌های گذشته رئیس سازمان مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی و در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ معاون پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک و مدیر شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی بوده است.

دانشگاه به فاضلی نیاز دارد

دکتر سیدحسین سراج‌زاده، جامعه‌شناس ایرانی و استاد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی و ریاست انجمن جامعه‌شناسی ایران، در گفت‌وگو با «شرق» با بیان اینکه بحث اخراج دکتر فاضلی از دانشگاه شهید بهشتی از شهرویرو امسال مطرح شده بود، می‌گوید: «شهرویرو امسال دانشگاه شهید بهشتی قرارداد همکاری دکتر فاضلی را تمدید نکرد. برداشتی است وجود داشت این بود که تگ‌نظری‌هایی که برخی از افراد در درون دانشگاه دارند و ممکن است از برخی نهادها هم حمایت بشوند، این مسئله را دام زده باشد. به بیان دیگر این اخراج بیشتر بر مبنای برخورد سلیقه‌های سیاسی اتفاق افتاده است. دانشگاه شهید بهشتی یک‌سری بهانه اداری را برای این موضوع مطرح کرده بود، اما کسانی که با محیط دانشگاه آشنا هستند می‌دانند این بهانه موجهی نیست و بیشتر مبنای فکری و سیاسی برای برخورد با دکتر فاضلی مدنظر بود.»

سراج‌زاده با بیان اینکه دکتر فاضلی ترجیح داده بود این اتفاق را از مسیر قانونی و اداری پیگیری کند، تصریح کرد: «ایشان علاقه‌مند به رسانه‌های کردن ماجرا نبودند. دانشگاه هم یک ترم به ایشان مهلت داد و برای ایشان درس گذاشتند و دانشجویان هم متوجه این اتفاق نشدند. همان زمان اخراج دکتر بیژن عبدالکریمی هم مطرح شده بود و واکنش‌های زیادی در پی داشتند. با این وجود دکتر فاضلی علاقه‌مند نبودند مسئله از طریق قانونی حل‌وفصل شود. انجمن جامعه‌شناسی نامه‌ای را خطاب به رئیس دانشگاه شهید بهشتی فرستاد و نسبت به ایجاد چنین رویه‌هایی هشدار داد؛ چون فاضلی یکی از افراد بسیار زحمتکش در رشته جامعه‌شناسی است. خوب درس خواند، خوب کار کرده، سابقه علمی خوبی دارد. هم در حوزه سیاست‌گذاری فعال بوده و در ارتباط با علم جامعه‌شناسی با سیاست‌گذاری و هم در حوزه جامعه‌شناسی مردم‌مدار، آثار علمی بسیار خوبی دارد. به بیان دیگر هیچ ایراد علمی بر عملکرد ایشان نمی‌شود گذاشت و حضور او در این دانشگاه برای دانشجویان حضور پرثمری بوده و همه دانشجوین از او راضی هستند و به کاره جامعه‌شناسی اعتبار داده است.» این استاد دانشگاه در ادامه افزود: «اطلاع دارم که استادان گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی به ریاست دانشگاه نامه نوشته و از مقامات دانشگاه خواسته بودند جلوی اخراج دکتر فاضلی گرفته شود؛ چراکه این مسئله یک خسارت برای دانشگاه است. ولی ظاهراً اتفاقی نیفتاد. هفت انجمن علمی هم نامه‌ای به آقای رئیسی نوشتند و آنها هم نسبت به این موضوع و برخی از فرایندهای مشابه که با تشکیل دولت جدید در دانشگاه با آن مواجه هستیم، هشدار داده و از رئیس جمهوری خواستند با این اقدامات جدی برخورد کنند و اجازه تسویه ندهند، چراکه این اتفاقات به

جامعه

هادی خانیکی و حسین سراج‌زاده از اخراج محمد فاضلی می‌گویند

اخراج محمد فاضلی یک تسویه حساب سیاسی است



دانشگاه لطمه می‌زند. این نامه به وزارت علوم ارجاع داده شده است. هرچند در این نامه‌ها جدی خواسته بودیم چنین اتفاقاتی نیفتد و نسبت به پیامدهایش هم هشدار دادیم، ولی ظاهراً برای ترم پیش‌رو برای دکتر فاضلی درس نگذاشتند و از نظر دانشگاه شهید بهشتی اخراج ایشان قطعی شده است. گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اعلام کرده به دکتر فاضلی نیاز دارد و این اتفاق ناشی از مداخله برخی نیروهای تگ‌نظر است که از یک موضع سیاسی با مسائل علمی برخورد می‌کنند و احتمالاً بهانه‌های اداری می‌آورند.»

رئیس انجمن جامعه‌شناسی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان این اتفاقات را یک عقب‌گرد دانست، گفت: «دوره احمدی‌نژاد دوره بدی برای علم و دانشگاه بود و اتفاقاتی افتاد که استقلال علمی دانشگاه‌ها را محدود و دخالت دولت و سیاست را در امور علمی دانشگاه پررنگ کرد. زمان دولت روحانی برخی از آن جریانات و اقدامات اندکی تعدیل شد، اما چون کارها به‌صورت نهادی در مراجعی بیرون از وزارت علوم شکل گرفته بود، عملاً در این دوره هم توانستیم یک اصلاح مؤثر به وجود آوریم؛ هرچند رویه‌ای برخی اصلاحات صورت گرفت. برای مثال دوره‌های قبل سمت مدیر گروه انتخابانی بود و احمدی‌نژادی‌ها آن را انتصابی کردند، این رویه‌ها اصلاح شد و دوباره فرایند انتخاب مدیر گروه و هیئت ممیزه انتخابی شد ولی قانونی چیزی تغییر نکرد. به نظر می‌رسد نیروهایی که آن روز با نگاه منفی به علوم اجتماعی و انسانی موضع داشتند، در دوره جدید فکر می‌کنند قوت و نیرو گرفته‌اند و دانشگاهیان امیدوار هستند بر اساس تجربه و لطمه‌ای که دانشگاه در دوره احمدی‌نژاد خورد، آن روندها احیا نشود. با این حال، برخی علوم انسانی و نشان می‌دهد هسان نیروهای ضد علوم انسانی و اجتماعی که فکر می‌کنند بدون این علوم می‌شود کشور را اداره کرد، دوباره سر برآورده‌اند. آنها خواهند دید این تصمیمات فاجعه‌بار خواهد بود و توسعه علمی کشور را با مخاطره روبرو می‌کند، ناامیدی را در نسل جوان ایجاد می‌کند و زمینه‌ساز مهاجرت می‌شود. این نیروها انگار فعال شده‌اند و فرصتی پیدا کرده‌اند که پروژه تماماً دوره احمدی‌نژاد را در این دوره تمام کنند، اما امیدوارم کسانی که در مراجع بالای تصمیم‌گیری هستند اجازه ندهند؛ چراکه این اتفاق برای کل جامعه ایران بسیار زیان‌بار و پرهزینه خواهد شد.»

جلوی فاجعه را بگیرد

هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی نیز در گفت‌وگو با «شرق»، با ابراز تأسف از اخراج دکتر فاضلی، دلیل این اتفاق را سیاست‌های پشت پرده دانست و گفت: «دکتر محمد فاضلی شناخته‌شده‌تر از آن است که احتیاج به توفی و تحلیل فعالیت‌های علمی و اجتماعی او باشد. جامعه‌شناسی است مبرز که هم در حوزه آموزش و هم در حوزه تحقیق و هم در حوزه مسئولیت اجتماعی و در حوزه انرژی‌خشی رسانه‌ای و حضور در حوزه عمومی‌از چهره‌های شاخص دانشگاهی محسوب می‌شود. آثار علمی او که تالیفی و ترجمه هستند، از مرجعیت و اعتبار بالایی برخوردار است. تحقیقات او در سطح پیمایش‌های ملی در مقاطع مختلف به غنای ادبیات علوم اجتماعی کمک‌های

بسیاری کرده است. خود او در سطح مسئولیت‌های اجتماعی که مشخص‌ترین حضور در کمیته کارگروه اجتماعی فرهنگی بررسی سیلاب‌ها و همین‌طور طرح مطالعاتی یونسکو بود، اقداماتی ارزنده انجام داد و همیشه هم استاد موفقی بوده است. اینها نشان می‌دهد که یک جامعه‌شناس اگر می‌خواهد هم در دانشگاه هم در حوزه عمومی و هم در سطح مسئولیت‌های اجتماعی نقش‌های خودش را ایفا کند، چندر می‌تواند تأثیرگذار باشد و کارنامه او در تمام این زمینه‌ها درخشان است. در مسئله آب، سیلاب، گفتمان اجتماعی و در انجمن‌های علمی آثار بی‌رقیبی را بر جا گذاشت و همچنین بی‌درغ دعوت نهادهای علمی و حرفه‌ای را پاسخ می‌داد و حتی در دوران کرونا در نشست‌های علمی حضور فعالانه‌ای داشت.»

خانیکی تصریح کرد: «این مقدمه را برای این گفتم که با معیار سنجش یک فرد به‌عنوان معلم و محقق و کنشگر اجتماعی، وقتی کسی در تراژ خیلی خوبی قرار دارد، طبعاً باید از ظرفیت او بهترین استفاده را کرد، نه اینکه به‌ناگاه وضعیتی پیش آید که جامعه علمی، دانشجویان، اعضای هیئت علمی و به‌یقین شبکه‌ای از کنشگران آکادمیک از وجود چنین کسی در دانشگاه محروم شوند. من بابت این اتفاق متأسفم و این را به‌عنوان یک زنگ خطر یا علامت بالینی می‌دانم که نشان می‌دهد یک بیماری جدید در حوزه روبروگرتیک و حوزه سیاسی و حوزه اجرائی دانشگاهی در حال اتفاق است. ممکن است چنین تلقی شود که کسانی مثل دکتر فاضلی که از توانایی‌های بالایی برخوردار هستند، در مدارهای دیگر به فعالیت خواهند پرداخت. اما این علامت خطر و بیماری را در دانشگاه می‌بینم و اینکه به هر طریق و بهانه‌ای این اتفاق افتاده باشد، باید سیاست رسمی جذب، در قالب حاکمیت سلیقه‌ها و گرایش‌های خاص سیاسی، در قالب رقابت‌های تنگ‌نظرانه گروهی یا در قالب تصلب و سرسختی شیوه‌های اداری، هرچه باشد، سیاست به چنین نقطه‌ای منتهی شود. این یک هشدار و فاجعه است که باید جلوی آن را گرفت، وگرنه هزینه‌های سنگین‌تری برای محیط‌های علمی و پژوهشی خواهد داشت.» این اولین پروژه تماماً دوره احمدی‌نژاد را در این دوره تمام کنند، بار نیست که دانشگاه و علوم انسانی هزینه‌های گزافی به خاطر تسویه‌حساب‌های سیاسی می‌دهند. حسین بشیریه استاد سرشناس علوم سیاسی دانشگاه تهران، هادی سمتی استاد جامعه‌شناسی و همچنین مرحوم هاله لاجوردی و فاطمه صادقی در زمان احمدی‌نژاد طعم اخراج از دانشگاه را چشیده‌اند که نتیجه‌اش یا دق کردن یا مهاجرت یا گوشه‌نشینی بود. حالا به نظر می‌رسد این سیاست‌ها دوباره جان گرفته‌اند.

واکنش‌ها به اخراج فاضلی

بعد از رسانه‌ای شدن اخراج محمد فاضلی، بسیاری از فعالان سیاسی و جامعه‌شاسان به این اتفاق واکنش نشان دادند. حمیدرضا جلایی‌پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، در کانال تلگرامی خود نوشت: «دوست عزیز و فاضلم، دکتر محمد فاضلی را از دانشگاه بهشتی اخراج کرده‌اند. واقعا این میزان تنگ‌نظری و شایسته‌ستیزی در وزارت علوم دولت جدید حیرت‌انگیز است. در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بهشتی اکنون چه کسی به اندازه او در کمک

به بالندگی جامعه‌شناسی در ایران توفیق داشته است؟ هم از حیث میزان و کیفیت پژوهش‌های باکیفیت، هم از حیث رضایت دانشجویان، هم از نظر توفیق در آگاهی‌افزایی عمومی درباره بصیرت‌ها و دستاوردهای جامعه‌شناسانه، چند استاد جامعه‌شناسی مثل او در ایران داریم؟ وزارت علمی که ریاست دانشگاه‌ها را به بسنج اساتید واگذار می‌کند و با افزایش انواع سهمیه‌های ناعادلانه در پذیرش دانشجو و انواع گزینش‌های برتریعیض در جذب و ارتقای استادان، آموزش دانشگاه‌های کشور را کم‌کیفیت‌تر می‌کند، آیا می‌فهمد چه بلایی بر سر نهاد علم در ایران می‌آورد و در بلندمدت چه آسیبی به کشور می‌زند؟ انجمن جامعه‌شناسی ایران و استادان جامعه‌شناسی دانشگاه‌های کشور چرا با صدای بلندتر و مؤثرتر به این روند مخرب و پرآسیب اعتراض نمی‌کنند؟ اگر وزارت علوم هاضمه پذیرش و تحمل استاد باکیفیتی مانند او را که دغدغه محوری‌اش افزایش ظرفیت حل مسئله حاکمیت و جامعه ایران است ندارد، مضحک نیست اگر ادعای کمک به توسعه علمی کشور را داشته باشد؟ اخراج او از دانشگاه برای خود او ضایعه نیست و چه‌سوا وقت و فرصت بیشتری برای یادگست روشنگر و برمخاطب «دغدغه ایران» و پژوهش‌های راهبردی‌اش آزاد کند؛ ولی برای دانشگاه بهشتی و دانشجویانش پرضایعه است. دانشگاه را بیش از این کم‌کیفیت و بی‌توجه به مسائل واقعی جامعه ایران ن‌کنید. نتیجه‌اش جناباشرت بیشتر بحران‌ها و مسائل کاودیه و حل‌نشده و جایگزینی استادان کم‌ضاعت و میل بیشتر به مهاجرت علمی نخواهد بود.»

همچنین آذر منصور، دبیرکل حزب اتحاد ملت، در توییت خطاب به ابراهیم رئیسی نوشت: «جناب آقای رئیسی: از اخراج دکتر محمد فاضلی از دانشگاه شهید بهشتی خبر دارید؟ حذف نخبگان از نهادهای علمی و دانشگاه‌ها را جدی بگیرد و بیش از این اجازه ندهید نهاد علم در کشور دستخوش ویژه‌گزینی و حذف‌های جناحی شود. حذف نخبگان و شایستگان از نهاد علمی یعنی رفتن به سمت بدترین حکمرانی.» محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا نیز در کانال تلگرامی خود نوشت: «جناب آقای زلفی‌گل، وزیر محترم جمع به قرار اطلاع دانشگاه شهید بهشتی‌ای ابواب عمومی شما مشرده می‌شود، یکی از استادان محترم (دکتر محمد فاضلی) را اخراج کرده و این رفتار موجب اعتراض جامعه دانشگاهی واقع شده است. از آنجا که احتمال دامد این خبر را نشده‌اید، خواستم اولاً مراتب را به اطلاع جناب‌عالی برسانم و ثانیاً طبق ماده ۱۰ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، از جناب‌عالی بخواهم دلایل اخراج این عضو هیئت علمی را به اطلاع افکار عمومی برسانید. ضمناً اگر نام‌برده کار خلافی انجام داده؛ مثلاً خورده و برده و حیف‌ومیل کرده و به مافوق اهانت کرده و حرف بی‌ربط زده و بانی وضع موجود بوده و ترک فعل کرده و… برای این جنایات محکومیت گرفته، محاکم صادره را منشر فرمایید. آنجا که ممکن است شما به‌هیچ‌وجه در جریان صدور چنین حکم اخراجی نباشید، مناسب است عامل اخراج آقای محمد فاضلی را معرفی فرمایید تا برویم سرعاش؛ چون شایعه موتاری در این زمینه بدجوری نقل محافل شده که امیدوارم درست نباشد. آقای وزیر! فرض کنید شما جای محترم فاضلی بودید. برای خانواده خودتان چگونه حکم اخراج خود را توجیه می‌کردید که به شما نگویند: این بود دستمزد این همه سال زحمات؟»

اخراج محمد فاضلی در شرایطی اتفاق می‌افتد که ابراهیم رئیسی و همسرش حبلیه علم‌الهدی عضو کمیته جذب دانشگاه شهید بهشتی هستند و احتمالاً بی‌خبر از اتفاقی که سه ماه است در دانشگاه شهید بهشتی افتاده؛ هستند. سکوت آنها در برابر این اخراج را چگونه باید تلقی کرد؟ آیا دوباره خانه‌نشینی و ستاره‌دارشدن دانشجویان به صورت گسترده در دانشگاه‌ها به یک روند عادی تبدیل خواهد شد یا تحقیقات و بازرسی‌ها را در پی می‌کشند؟ باید منتظر ماند و تماشا کرد.

دادداشت

فضاهای بی دفاع تهران

عیسی برتاو

اظهارنظر اخیر شورای شهر تهران مبنی بر وجود ۲۶ هزار نقطه ناام با استاندارد به تحقیق انجام‌شده نمی‌تواند دور از واقعیت باشد؛ ولی حساسیت‌های ایجادشده ناشی از دو عامل است: یک، اظهارنظر درخصوص ناامنی از طرف نهادی صورت گرفته که در پروسه پیشگیری از جرم جایگاه مستحکمی ندارد (که باید داشته باشد) و دوم، اختلاف بر سر اینکه نقطه جرم را چگونه تعریف کنیم. به نظر می‌رسد واحد تحلیل تحقیق کاملاً گویاست و هیچ سوءبرداشتی دراین‌باره نباید به وجود بیاید. همچنین این پژوهش قصد متهم‌کردن نهادهای مرتبط با امنیت شهری به کم‌کاری را ندارد؛ چون درخصوص طراحی شهری و امنیت هیچ‌گونه نقشه راهی برای هماهنگی بین نهادهای قبل از ساخت‌وساز در ایران وجود ندارد تا مناطق بی‌دفاع کمتری ساخته شود؛ بنابراین پلیس مقصر اصلی در نبود ناامنی در این مناطق نیست، بلکه بعد از بی‌توجهی به اصول فیزیکی فضاهای قابل دفاع پای پلیس برای حفظ امنیت به این مناطق کشیده خواهد شد. پس اکنون این مناطق با توجه به اینکه ساخته شده‌اند، بدون شک حفظ امنیت آنها می‌تواند هزینه‌بر باشد؛ مگر اینکه نقاطی مانند پل‌های عابر پیاده که به‌تازگی کارزاری علیه آنها شکل گرفته است که می‌توان پوشش دور پل و همچنین برنهای تبلیغاتی را برای دید بیشتر حذف کرد یا اینکه مناطق تاریک را با چراغانی کردن بهبود بخشید؛ ولی درخصوص سایر نقاط فیزیکی شاید نتوان به‌سادگی غیرقابل دفاع بودن فضا را کم‌رنگ‌تر کرد. درخصوص تحقیق انجام‌شده چند نکته مهم وجود دارد. مورد اول به فضاهای بی‌دفاع اشاره می‌کند. در تحلیل نوین جغرافیای جرم دیگر مناطق و محلات کلان درخصوص حفظ امنیت موضوعیت ندارند، بلکه مناطق در سطح خرد مانند چهارراه‌ها، پل‌های عابر پیاده، رستوران‌ها و… موضوع تحلیل جرم هستند؛ به این دلیل در ابتدا بیان شد که اظهارنظر انجام‌شده امکان تأیید دارد. برای مثال ممکن است پلیس بتواند امنیت کامل منطقه بیستم تهران را حفظ کند، اما تمام جرائم و احساس ناامنی در یک تقاطع یا در یک پل هوایی رخ دهند. دوم اینکه تفاوت جنسیتی در تصور از ناامنی وجود دارد. در واقع این تحقیق به جای پرداختن به موضوع الکوی رفتاری بزهکاران، الکوی رفتاری قربانیان را مورد تحلیل قرار داده است. در تحلیل‌های نوین جرم نمی‌توان صرفاً افزایش یا کاهش بزهکاران را محور تحلیل امنیت شهری قرار داد. تحقیق انجام‌یافته از جرم‌شناسی کلاسیک و بزهکارمحور فاصله می‌گیرد و واحد تحلیل قربانی‌محور را در پژوهش می‌کنجانند و به موضوع تنوع قربانیان اشاره دارد. این حقیقت دارد که بدون تلاقی بزهکار و قربانی در فضا و زمان خاص، جرم رخ نخواهد داد؛ ولی محوریت این پژوهش بر اساس تصور قربانیان از جرم و اصول ساخت فضاهای قابل دفاع است. به نظر می‌رسد راه‌دید قرار داده است، ام‌ا نمی‌توان تغییر سبک زندگی و مسائل اقتصادی و اجتماعی سال‌های اخیر را نیز در تغییر نوع قربانیان در تهران و همچنین جابه‌جایی فضایی و زمانی جرائم با توجه به این تغییرات مورد توجه قرار نداد. در پایان به نظر می‌رسد یکی از وسیع‌ترین تحقیقات انجام‌شده درخصوص جرم بر اساس رویکرد محیطی در کشور است و امید است این پژوهش صرفاً به مجادله‌ای بر سر رقم ارائه‌شده ختم نشود و بتواند باب همکاری چند نهاد و ایجاد رویکرد جامع

محیطی درخصوص پیشگیری از جرم را فراهم کند. همچنین نه شهرداری و نهادهای مرتبط با ساخت‌وساز ششانه از مسئولیت پیشگیری از جرم خالی کنند، نه نهادهای مسئول مستقیم درگیر با پیشگیری از جرم، تحقیقات انجام‌شده از سوی این نهاد‌ها را کم‌رنگ جلوه دهند.

چرخي در اين متروپلیس دهشت‌آور زده‌ام و مي‌دانم که چه فاجعه‌اي در راه است. ضمن اینکه این برج و باروها دیواری لابیرتی در غرب تهران کشیده‌اند و مانع عبور باد و هست؛ دلیل او را به‌عنوان تهران دارد در دود و آلودگی خفه می‌شود. در شمال تهران هم همین فاجعه شکل گرفته. عمارت‌های فوق‌مردن و

عظیم‌الجثه در کوچ‌پس‌کوچه‌های قدیمی شمیرانات که هنگام عبور از کنارشان ناخودآگاه سرعت می‌گیری مبدا را روی سرت خراب شوند. سازنده شهرک اکباتان، که مهندس معماری را در دانشگاه تهران خوانده، زمین مورد نیاز این شهرک را از نظام‌السلطنه مافی یکی از اذنان احدثی به مساحت ۲۳۳/۲۳۶ متر مربع خریداری بدون واسطه از آقای ابراهیم رامی مالک رسمی. لذا کسانی که نسبت به املاک فوق اعتراض دارند می‌توانند به استناد ماده ۱۶ قانون ثبت از تاریخ اولین انتشار به مدت ۹۰ روز در خواست وخواهی خود را به این ادره تسلیم ورسید دریافت دارند اگر بین تقاضا کننده دیگری قبل از انتشار این آگهی دعوانی در مراجع قضایی اقامه شده باشد معترض باید گواهی تقدیم داد‌خواست را به این ادره تحویل دهد دراین صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است. درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی تسلیم نکرد ویا گواهی تقدیم داد‌خواست به دادگاه عمومی محل به این اداره تحویل نشود اداره ثبت اقدام به صدور سند مالکیت می‌نماید این آگهی از ثوبت به فاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد ضمناً مالک مذکور که طبق ماده ۱۴ فوق آگهی گردید تحدید حدود آن به صورت هم زمان انجام می‌دهد. الف ۱۳۲۴۰۶ ۱۴۲۲۰۶ تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴ تاریخ انتشار ثوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴ مهدی آزاد-رئیس اداره ثبت و اسناد و املاک سوادکوه شمالی